

## ماجرای دزدی از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان (تهران، ۱۳۲۵ ق)<sup>۱</sup>

تألیف نادر نصیری مقدم<sup>۲</sup>

ترجمه فرزانه شادانیپور<sup>۳</sup>

### چکیده

این مقاله به تراج آثار فرهنگی و نسخه‌های ارزشمند خطی ایران در دوران مشروطه می‌پردازد. مؤلف با بررسی اسناد بایگانی‌های ایران و فرانسه، به سرقت از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان در ۱۳۲۵ ق. اشاره می‌کند. در این سرقت‌ها چندین نفر دست داشتند از جمله لسان‌الدوله کتابدار، آرشاک خان، رفی و ممتاز السلطنه. با وجودی که مقامات ایرانی، رد برخی نسخه‌ها را در نیویورک پیدا می‌کنند ولی موفق به بازگرداندن آنها به ایران نمی‌شوند.

### کلیدواژه‌ها

کاخ گلستان، کتابخانه سلطنتی، ایران، سرقت نسخ خطی، لسان‌الدوله

### مقدمه

شده است، اما چیاولی که طی سال‌های این انقلاب بر میراث ایرانی رفت کمتر مورد عنایت بوده است. دزدی آثار هنری کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان در تهران که اوایل سلطنت محمدعلی شاه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.) به وقوع پیوست، نمونه‌ای است بازگوشده که این مقاله در پی

پژوهشگران ایرانی و غربی انقلاب مشروطه ایران را به شیوه‌های گوناگون و گاه از دیدگاه‌های متضاد مطالعه کرده‌اند. برای توضیح این واقعه بزرگ و اضعای که برگی نو از کتاب تاریخ معاصر ایران را برکشود، در بایگانی‌های ایران، انگلستان، روسیه و کشورهای دیگر جستجو‌ها

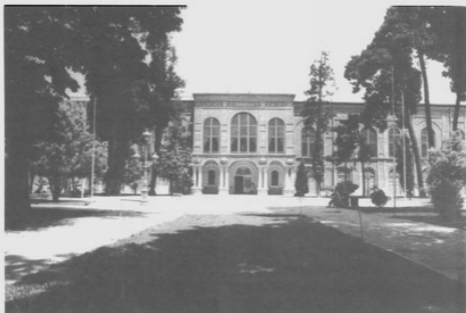
۱. "L'affaire du vol de la Bibliothèque Royale du Palais du Golestan à Teheran, Ca. 1907", Studià Iranica, No. 32, 2003, 137-147

۲. Nader Nasiri Moghadam

۳. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

روشن نمودن آن از میان اسناد با یگانی هاست. این دزدی جتایی بود که کتابدار این کتابخانه به مدد چند تن دیگر مرتکب شد. هر چند این ماجرا از حیث تاریخی بررسی نشده است، اما به جز بعضی حکایات های مهیوم در مورد این دزدی، هرگز گزارش مستندی از آن ارائه نشد. موضوع وقتی جالب تر و ظریف تر می شود که بدانیم هنوز بعضی از اشیای به سرعت رفته در بازارهای آثار هنری مغرب زمین به معرض فروش گذاشته می شوند.

سلطنتی را به او بسیار بدین ترتیب با موافقت پدر پادشاه آینده این مسئولیت را بر عهده گرفت (۱: ۳۵-۳۷). بعدها ناصرالدین شاه ملی سلطنت طولی المدت خود (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) کلیدهای کتابخانه اش را نزد خود نگه می داشت و آن را شخصاً اداره می کرد (۳: ۱ ص ۸-۱۹). ولی از زمانی که مظفرالدین میرزا در ۱۳۱۳ ق. به تخت نشست، دربار سرگرم حوادثی بود که به انقلاب مشروطه منتهی شد و توجهی به این کتابخانه نداشت تا جایی که



#### تأسیس کتابخانه سلطنتی

کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان میان ۱۸۰۶-۱۸۱۶م / ۱۲۲۱-۱۲۳۱ ق. در دوره سلطنت فتح علی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق.) ایجاد شد. سپس در دوره سلطنت محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق.) صدر اعظم های او، میرزا ابوالقاسم قائم مقام (۱۲۵۱-۱۲۵۰ ق.) و حاج میرزا آغاسی (۱۲۶۴-۱۲۵۱ ق.) یکی بعد از دیگری اجازه آن را بر عهده نداشتند. ظاهراً حاج میرزا آغاسی که گاه نسخ مصور یا مینیاتورهای کتابخانه را به دوستان یا کارگزارانش هدیه می کرد، دست پسر محمدشاه ناصرالدین میرزای ولیعهد خشمگین از این دستورها، از پدر تقاضا کرد تا نادار کتابخانه

خدمتکار شاه میرزا علی خان لسان الدوله کتابدار سلطنتی نامیده شد و به فرمان شاه مسئولیت کتابخانه را بر عهده گرفت (۲: ۵ ص ۲۸۵-۲۸۶).

#### لسان الدوله، کتابدار یا سارق؟

میرزا علی خان ملقب به لسان الدوله حدود ۱۸۶۲م / ۱۲۷۸ ق. در خانواده ای مرفه در تبریز زاده شد. او به یمن نفوذ پدرش محمد اسماعیل امین الرعا یا، بعد از تحصیلات سنتی، از ۱۳۰۸ یا ۱۳۰۹ ق. هم زمان به عنوان خدمتکار و کتابدار ولیعهد مظفرالدین میرزا، در تبریز آغاز به کار کرد. در ۱۳۱۳ ق. بعد از قتل ناصرالدین شاه و بر تخت

نشستن پسرش، همراه شاه جدید به تهران آمد و در پایتخت مسکن گزید، او که به لسان الدوله ملقب شد، منوچهر کتابداری کتابخانه کاخ گلستان را عهددار شد (۸ استطلاع ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۷ و ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۲). بدین ترتیب طی یازده سال سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۳۴ ق.) همه آثار و منابع موجود در کتابخانه سلطنتی بدون هیچ گونه نظارتی در اختیار لسان الدوله بود. سوال این است که

#### کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان در دوره سلطنت فتح علی شاه قاجار ایجاد شد.

آیا طی همین دوره او بعضی از این نسخ و آثار را ربوده یا خیر؟ به هر حال کسی نمی‌داند لسان الدوله در دست در چه زمانی دستبرد را آغاز کرد.

بعد از مرگ مظفرالدین شاه (۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۴) و به تخت نشستن پسرش محمدعلی شاه لسان الدوله مجبور به ترک دربار شد و کتابخانه را به میرزا رضاخان یکی از خاندان شاه جدید سپرد (۸ استطلاع میرزا رضاخان به تاریخ ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۷). مع الوصف او از هرج و مرج سیاسی و اجتماعی کشور سودجست و با کمک همدستانی از درون کاخ، صدها نسخه خطی، مینیاتور، خط نوشته و مانند آنها را ربود و دفاتر ثبت کتابخانه سلطنتی را تحریف کرد (۸ استطلاع همدستان به یوزده غمناک حضور و نوکرش به تاریخ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۷). محمدعلی شاه و دربارش، سرگرم انحلال مجلس شورای ملی بودند و توجهی به این غارت ننمودند. پس از پیروزی تمام و کمال مشروطه خواهان بود که دست کم بخشی از این میراث به سرعت رفته به جای خود بازگشت.

#### شرح ماجرای دزدی

در ۲۷ رجب ۱۳۲۷، بعد از فتح تهران توسط انقلابیون محمدعلی شاه به نفع پسرش احمد میرزای ۱۳ ساله از سلطنت کناره گرفت. احمد میرزا با کمک عضدالملک نایب السلطنه مستحب مشروطه خواهان قدرت را در دست

گرفت. در همین اثنا، در پایتخت شایعات مربوط به غارت جواهرات سلطنتی و اشیای قیمتی کاخ گلستان توسط محمدعلی شاه و اطرافیانش بر سر زبان‌ها افتاد. پس در اوت ۱۹۰۹ رجب و شعبان ۱۳۲۷، قبل از آنکه مستبد سابق خلع شود دولت انقلابی جدید کمیسوینی به نام اجت نهاد کشف اشیای مسروبه سلطنتی ایجاد کرد تا مسئله را بررسی کند. این هیئت در کاخ به تفحص پرداخت و مایملک کاخ را با دقتار ثبت مقایسه نمود و پی برد که بعضی از اشیای قیمتی و به ویژه آنها که در موزه سلطنتی نگهداری می‌شدند به سرعت رفته‌اند بدین ترتیب. کارکنان کاخ و خدمه دربار، استطلاع شدند. بعد از تحقیقاتی چند بخشی از اشیای مسروقه کشف شد. در کتابخانه سلطنتی نیز فقدان بعضی از نسخ ملاحظه گردید. ولی سیاهه‌های تحریف شده توسط لسان الدوله و همدستانش چیزی نشان نمی‌داد مع الوصف، از لسان الدوله کتابدار پیشین استطلاع شد. در ۹ شعبان ۱۳۲۷ در درون کاخ گلستان تحت مراقبت قرار گرفت. او برای فرار از عتالت و آفات بی‌گناهی خویش اعتراف کرد که بخشی از نسخ خطی کتابخانه حدود ۷۱ نسخه که او باید به کتابخانه باز می‌گردانده از زمان برکناری، نزد او باقی مانده است (۸ استطلاع به عمل آمده در کاخ گلستان به تاریخ ۹ شعبان ۱۳۲۷).

بدین ترتیب، لسان الدوله بعد از بازگرداندن این نسخ آزاد شد و هیئت، که قصد داشت نتایج تحقیقات خود را نشان دهد در سپتامبر ۱۹۰۹ شعبان و رمضان ۱۳۲۷ نمایشگاهی برپا نمود و همه اشیای قیمتی باز یافته، از جمله نسخ خطی مذکور را به نمایش گذاشت (۹ ج ۲، ص ۴۲۲-۴۲۳).

در حالی که لسان الدوله فکر می‌کرد او ضاع بر وفق مراد است و او بدون هیچ مانعی می‌تواند بقیه اشیای دزدیده شده را بفروشد. حادثه‌ای دور از انتظار در سپتامبر ۱۹۰۹ شعبان و رمضان ۱۳۲۷ پیش آمد. واقع امر این بود که میرزا یوسف، یکی از همدستان او و مباشر کاخ که در دفاتر ثبت دست برده بود، برای فروش سهم خود در خارج از کشور به میرزا عبدالرحیم خان مفتاح الملک کنسول ایران در جدنه مراجعه نمود. ولی میرزا عبدالرحیم خان او را و داد و دزدی آثار هنری کتابخانه سلطنتی را افشا نمود (۸ تلگراف مفتاح الملک کنسول ایران در جدنه به وزارت دول خارج جلد ۵ ذی قعدة ۱۳۲۷) سپس در اوایل ۱۹۰۹ ام

۱۳۲۷/ق. لسان الدوله و همدستانش توسط دیوانخانه عدلیه اعظم دستگیر شدند. در بازرسی منزل لسان الدوله هیچ یافت نشد. او منکر اعترافات همدستانش شد و هیچ یک از اتهامات وارده را نپذیرفت. سرانجام در ۱۰ صفر ۱۳۲۸، بعد از حدود سه ماه استسطاق به قید ضمانت آزاد شد؛ (۸: تهیدنامه نوشته شده در ۱۰ صفر ۱۳۲۸). لسان الدوله بعد از آزادی مشروط تحت نظر و در اختیار دیوان خانه عدلیه بود (۸: احضاریه، ۱۳ ذی قعدة ۱۳۲۸ و استسطاق اول جمادی الاول ۱۳۲۹). گذشته از این، طبق دستور وزارت معارف و به منظور جلوگیری از خروج آثار مسروقه کاخ گلستان از کشور، همه فروشدگان و دست اندرکاران خرید و فروش آثار هنری مجبور شدند تا کالا های خود را پیش از ارائه به گمرک به اداره عتیقات اظهار نمایند (۶: اطلاعیه اداره عتیقات با امضای رئیس آن ایرج میرزا، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۸). این اقدامات سخت گیرانه موجب شد که لسان الدوله چند سال نتواند اموال مسروقه را از مخفی گاه خارج کند. سرانجام در آوریل ۱۹۱۴/جمادی الاول و جمادی الثانی ۱۳۳۲ او با بی احتیاطی بسیار با یکی از تاجران آثار هنری که در حقیقت مأمور پلیس بود، درباره نسخ مسروقه وارد مذاکره شد و قضیه لو رفت، در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۲، لسان الدوله برای سومین بار و این بار حین ارتکاب جرم دستگیر شد. عبدالله بهرامی که در آن زمان رئیس اداره تأمینات تهران بود ماجرای دستگیری را به طور متقواتی نقل کرده است. او در خاطراتش ادعا می کند که یک دلال یهودی به نام میرزا یعقوب را که با لسان الدوله معامله داشته به دام انداخته و بدین ترتیب با ردگیری به موقع موفق شده بود این کتابدار سابق را دستگیر کند (۷: ۲۶۵-۲۶۹ و ۲۹۳-۳۰۴). ولی استاد با یگانگی ها این روایت را به هیچ وجه تأیید نمی کند: برای لسان الدوله تله گذاشتند و توسط شخصی به نام ولی خان مأمور پلیس کمیسری منطقه ۷ تهران دستگیر شد (۸: گزارش والی خان، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۲). میرزا یعقوب نیز که واقعاً با لسان الدوله در ارتباط بود، بعد از اطلاع از دستگیری لسان الدوله توسط جرایم، داوطلبانه خود

را به کمیسری معرفی کرد تا همدست وی محسوب نشود (۸: استسطاق میرزا یعقوب، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۲). شاید بهرامی، که در اواخر عمر خاطراتش را به رشته تحریر در می آورد، خواسته خود را قهرمان و ناجی میراث ملی معرفی کند. به هر صورت، در پی بازرسی منزل لسان الدوله بیش از صدو پنجاه نسخه خطی متعلق به کتابخانه سلطنتی کشف و به کاخ گلستان بازگردانده شد. هنوز در صفحه اول همه این نسخ، این عبارت مهر شده به چشم می خورد (نقل به مضمون) نسخه خطی به سرقت رفته و بازگردانده شده از منزل لسان الدوله (۲: ۱۸۰-۱۹۰).

گذشته از این هنگام بازرسی پلیس دفترچه یادداشت روزانه لسان الدوله را یافت که او در آن نام مشتری ها و همدستانش را در خروج اشیای مسروقه از کشور و فروش آنها ذکر کرده بود. در میان این اسامی، سه نام به طور خاص توجه مقامات ایرانی را به خود جلب کرد: آرشاک خان رفی و صمدخان ممتاز السلطنه. آرشاک خان کریانس، از اتباع عثمانی و ارمنی الاصل بود و حدوداً اوایل قرن چهاردهم هجری به ایران آمد. وقتی به تهران رسید، در یک مغازه خرازی شروع به کار کرد. بعد در سلطنت مظفرالدین شاه با درباریان ارتباط پیدا کرد و همین باعث شد تا به توفیقاتی نایل آید و به منصب «آجودان شاه و لقب «مؤدب السلطان» دست یابد. بدین ترتیب آرشاک خان که دیگر از آنچه شخصیت های مهم حکومت ایران شده بود، از آنچه طی سال های انقلاب مشروطه در درون دربار رخ می داد آگاه بود (۴: ۴۲۳-۴۲۵). با وجود این، مهم ترین نقش این فرصت طلب قرار گرفتن در عرصه بازار هنر بود. او با همدستی لسان الدوله، اشیای مسروقه کتابخانه سلطنتی را به خارج برده می فروخت. آرشاک خان برای تسهیل در این کار گذرنامه دیپلماتیک نیز گرفته بود تا بتواند اشیای مسروقه را بدون نظارت گمرک از کشور خارج کند (۱۰: ۲۷). او مبدأ اشیای را پنهان نمی ساخت، چرا که اظهار آن به ارزش آنها می افزود، ولی برای خریدارانش داستانی مضحک ساخته بود بدین قرار که شاه ایران به همسرانش در

۱. اداره عتیقات در ۲۹/۱۹۱۰ شمسان ۱۳۲۸ توسط وزارت معارف به منظور جلوگیری از کار گروه های حفاری غیرقانونی در کشور و نظارت بر بازار آثار هنری ایجاد شد. مع الوصف، به تعویق افتادن تصویب لایحه مربوط به آثار باستانی در مجلس شورا مشکلات بسیاری برای این اداره به وجود آورد تا حدی که به انحلال آن در اکتبر ۱۹۱۱/شوال ۱۳۲۹ منجر شد در ۱۹۱۲/ق. این اداره دوباره کار خود را از سر گرفت و بعد از الغای انحصار حفاری های باستان شناسی فرانسه در ۱۳۲۷/۱۳۲۵ طی حدود بیست سال آندره گدار (Godeau) باستان شناس فرانسوی مدیریت این اداره را در ایران به دست گرفت.



حرم نسخه خطی می دهد تا آنها بتوانند با پول این نسخ برای خود البسه لوازم آرایش و عطریات بخرند.<sup>۱</sup> اما ر.ف. هم جراح و دندانپزشک و هم عتیقه فروش بود این یهودی ایرانی الاصل که با فرمان ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۱۷ به تابعیت کشور فرانسه در آمده بود از مدرسه دندانپزشکی پاریس فارغ التحصیل شده بود (۱۳۱۷-۱۳۱۸). تلگرام ریوندلو کمت<sup>۲</sup> به وزارت امور خارجه فرانسه، ولی در دهه سوم قرن چهاردهم هجری در مطب خود به خرید و فروش پرسودشای زینتی ایرانی نیز می پرداخت. طبق اسناد بایگانی های ایرانی، در ژانویه ۱۹۱۱/مهرم ۱۳۲۹ ر.ف. در پاریس، شماره ۷، کوچه ربیوت یک نگارخانه داشت و به ملیت فرانسوی در آمده بود (۶ نامه ر.ف. به وزارت معارف ایران ۱۳۱۷/۱۲ = ۱۸ مهرم ۱۳۲۹). نماینده ر.ف. در تهران دلایلی یهودی به نام ابراهیم بود. به واسطه او بود که ر.ف. عتیقه جات ایرانی و آثار هنری - از جمله اشیای مسروقه کتابخانه سلطنتی - را به چنگ می آورد (۶ نامه ابراهیم به وزارت معارف ایران ۱۱ رمضان ۱۳۲۷). بعد از دستگیری لسان الدوله ر.ف. در ایران به دادگاه فراخوانده شد. ولی چون ملیت فرانسوی داشت مایل بود به عنوان یک خارجی و تحت شرایط و حمایت هایی که از یک خارجی می شود تحت تعقیب قضایی قرار گیرد و به دست عدالت سپرده شود (۱۳ پرونده ۱، فایل ۱۰۲، تلگرام ریوندلو کمت به وزارت امور خارجه ۱۳۱۷/۱۲ = ۶ صفر ۱۳۳۵). ولی به دلیل ظرافت مسئله ریوندلو کمت، وزیر مختار وقت فرانسه در تهران ترجیح می داد سفارتخانه را درگیر این مسئله نکنند. مضاف بر اینکه نام صمدخان ممتاز السلطنه نیز در میان اسامی همدستان ر.ف. به چشم می خورد (همان) از ادامه قضیه ر.ف. در دادگاه در اسناد بایگانی های ایرانی مطلبی وجود ندارد. در عوض، در این اسناد اطلاعات زیادی در مورد نقش ممتاز السلطنه در ماجرا یافته می شود در واقع امیر پلیس از طریق دفتر یادداشت لسان الدوله می برد که او با ممتاز السلطنه ر.ف. و ابراهیم در مورد انتقال نسخ خطی فارسی به پاریس و فروش آنها به خریداران اروپایی توافق کرده بود. طبق این توافق نیمی از بهای فروش نسخ به ممتاز السلطنه می رسید و باقی آن میان

لسان الدوله ر.ف. و ابراهیم تقسیم می شد (۸ دفتر یادداشت. یادداشت مورخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۷). همچنین از محتوای این دفتر چه فاش شد که بر اساس همین توافق اولین بسته شامل پنج نسخه خطی روز ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۷ به پاریس فرستاده شد و ممتاز السلطنه بعد از آنکه آنها را به ۲۸۰۰ تومان قیمت گذاری کرد نیمی از همین مبلغ را برای لسان الدوله فرستاد تا آن را میان خود تقسیم کنند (همان). آیا شرکای لسان الدوله از خطری که

طی یازده سال سلطنت مظفرالدین شاه . همه آثار و منابع موجود در کتابخانه سلطنتی بدون هیچ گونه نظارتی در اختیار لسان الدوله بود.

متوجهشان بود آگاه بودند؟ به بیان دیگر، آیا آنها می دانستند که نسخه ها از کتابخانه سلطنتی کاخ به سرعت رفته است؟ پاسخ به این سؤال به دلیل فقدان مدارک کافی دشوار است.

در ماهه/جمادی الثانی و رجب، یک سال بعد از آخرین بازداشت لسان الدوله ممتاز السلطنه برای پاسخ به بعضی سوالات مربوط به فعالیت های اقتصادی کابینار سابق کتابخانه کاخ گلستان به عدلیه فراخوانده شد. او رسماً همکاری با لسان الدوله را تکذیب کرد و سه تلگرام دیپلماتیک به وزارت خارجه در تهران فرستاد تا بی گناهی خود را به دیگران بقولاند و چگونگی معاملاتی با لسان الدوله را روشن سازد (۱ ج. ۱، ص ۲۴۴-۲۳۸). موقیبت سیاسی ممتاز السلطنه و خدمات وی به کشور به نفع او تمام شد. چرا که مقامات ایرانی تصمیم به سکوت در قبال این ماجرا گرفتند (۳ ج. ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸).

لسان الدوله عامل سرقت ها، هرگز محکومیتی نیافت. مدارک کافی علیه او وجود نداشت. چرا که تعیین آثار به سرقت رفته ممکن نبود بنابراین نمی شد او را به طور عادلانه به کیفر رساند. در نتیجه روز ۱۴ شوال ۱۳۳۶، لسان الدوله پس از گذراندن دو سال و چهار ماه در بازداشت

۱. این داستان برای فر. مارتن، مجموعه داری که هم اکنون نسخه های از خمسة نظامی متعلق به مجموعه او در موزه مترو پلیس حفظ می شود نقل شده است. مارتن این نسخه را که در ربیع الثانی ۱۳۳۷، در هتی در پاریس از یک فروشنده ارمنی (احتمالاً آرشاک خان) خرید نسخه متعلق به کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان بوده است (۱۷-۱۸).  
۲. بر اساس بایگانی های ایرانی، وزارت دول خارجه ایران تعبت فرانسوی ر.ف. را تأیید نمی کرد و او را ایرانی محسوب می نمود.

موقت. در حالی که ۵۴ سال از سنش می‌گذشت به قید ضمانت و با الطاف شاهانه احمدشاه آزاد شد (۸ حکم کابینه به وزارت عدلیه ۱۴ شوال ۱۳۳۴).

در آن هنگام لسان الدوله خود را مورد لطف و آزاد می‌پنداشت. حال آنکه از نظر قانون فقط برای مدت کوتاهی به قید ضمانت آزاد شده بود و از آنجا که لسان الدوله از همکاری خودداری ورزید و اقدام به فرار کرد در ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۵ با حکم عدلیه دوباره به زندان افتاد (۸ حکم جلب. ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۵). ولی این بازداشت هم چندان به دراز نکشید چرا که با در نظر گرفتن عفو قبلی شاه در روز ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵، بعد از چند جلسه استتلاق با قید ضمانت آزاد شد (۸ در خواست کابینه از احمدشاه درباره آزادی به قید ضمانت لسان الدوله ۲۵ اسفند ۱۳۳۵ و فرمان نخست وزیر به وزیر عدلیه ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵).

در ۱۴ شعبان ۱۳۳۸، بعد از سه سال که پرونده لسان الدوله به حالت تعلیق در آمده بود وزیر عدلیه دوباره پرونده نزدی کتابخانه سلطنتی را به جریان برداشت (۸ در خواست مدعی العموم از دادگاه ۱۴ شعبان ۱۳۳۸). بدین ترتیب، روز ۲۵ شوال ۱۳۳۸، لسان الدوله احضار بهای دریافت کرد که طبق آن باید ۳۰۰۰۰ قده ساعت در صبح (۸-حضار به ۲۵ شوال ۱۳۳۸) خود را به دادگاه معرفی می‌کرد اما در این ماجرا در هیچ سندی نقل نشده است و به احتمال قوی لسان الدوله که از بیماری مزمن ناشی از افراط در الکل و تریاک رنج می‌برد در این تاریخ فوت کرده بوده است. به خصوص که در این زمان حدوداً ۵۸ ساله بود. در هر حال هیچ اثری از فوت او در اسناد وجود ندارد.

جالب است بدانیم که چند سال بعد که او دیگر در قید حیات نبود مدعی العموم از عدلیه (دادگستری) خواست تا اموالی را که او به ارث گذاشته بود به عوض سرقت میراث ملی مصادره کند. ولی این کار غیر ممکن به نظر می‌رسید. گر چه لسان الدوله به درستی متهم شده و از

شعبان ۱۳۳۷ تا ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵ چند بار استتلاق شده بود ولی هرگز محکومیتی نیافته بود. علاوه بر این، او هیچ چیز به ارث نگذاشته و همه اموال خود را قبل از مرگ میان خانواده اش تقسیم نموده بود (۸ گزارش بازرسی وزارت مالیه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۳).

پرونده نزدی از کتابخانه سلطنتی با مرگ لسان الدوله بسته شد ولی مرگ او باعث نشد مقامات ایرانی آثار هنری به سرقت رفته کتابخانه را از یاد ببرند. به ویژه که آنها این آثار را در بازارهای آثار هنری باز می‌یافتند. از این رو حکایت زیر به دلیل اهمیت و نفع آن برای میراث ملی ایران در خور ذکر است.

نسخه‌ای از خمسة نظامی متعلق به کتابخانه سلطنتی در بازار آثار هنری

در ۱۹۱۲م/۱۳۰۷ش زور زورف صوم، عتیقه فروش پارسی بلژیکی الاصل، نمایشگاهی در سالن صنعت آندرسین نیویورک ترتیب داد و در آن مجموعه‌ای از ۱۳ نسخه خطی به دست آمده از کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان را به نمایش گذاشت (۱۰: ۲۷-۲۸). حسین علاء، نماینده تام‌الاختیار ایران در واشنگتن از این مطلب با خیر شد و به جد عزم کرد تا این نسخه را به ایران بازگرداند. بدین ترتیب، به دستور علاء، باقر کاظمی کاردار سفارت ایران در واشنگتن با دعوت ملاقات و خود را خریدار نسخ معرفی کرد. در آن روز فهرست مجمل مجموعه سیزده نسخه خطی توسط کاردار و دعوت نوشته شد. دعوت اظهار کرد که نسخه را در پاریس از یک فروشنده آثار هنری به نام آرشاک خان به قیمت ۲۷۰۰۰۰ فرانک خریداری کرده است (۱۰: ۳۰). گزارش این ملاقات همراه فهرست سیزده نسخه خطی در ۱۷ رمضان ۱۳۴۰ به وزارت امور خارجه در تهران رسید در آنجا بلا درنگ کمیسونی مرکب از نمایندگان وزارت خزانه‌های مالیه داخله و عدلیه تشکیل شد تا به موضوع رسیدگی و راه حل‌های ممکن

سال ۱۳۰۳-۱۳۰۱ش نماینده تام‌الاختیار ایران در واشنگتن بود او بعدها به منصب وزارت امور خارجه نایل آمد (فوردین - تیر ۱۳۲۹) و بعد هم به نخست وزیری رسید (۲۰ اسفند ۱۳۲۹) ۴ باقر کاظمی، مؤید ۱۳۲۱ش از سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲ تا در ایران در واشنگتن بود و بعدها به تائب به عنوان وزیر امور خارجه ایران منصوب گشت (۱۳۱۲-۱۳۱۳ش ۱۳۱۳-۱۳۱۲-۱۳۱۱-۱۳۱۰-۱۳۰۹)

1. George Joseph Demotte

۲ دعوت (۱۹۱۲-۱۸۷۷) در هنر فزون وسطا و مشرق زمین متخصص بود پس از استقرار در پاریس سالی در نیویورک باز کرد او به دلیل اقامه دعوی‌ای که علیه وی به جرم جعل و تجارت آثار صورت گرفته بود مشهور شد (۱۶: ۱۸۸)

۳ حسن علاء، معین روزاره (۱۳۶۱ش ۲۱- تیر ۱۳۳۳ش) از





۲. هجو، فهرست کتابخانه سلطنتی، ج. ۱، تهران: آینه‌ها، ۱۳۵۷.
۳. اتحادیه منصوره سعدوندیان سیروس لوپراستران، گزیده‌های  
از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرما، ۱۳۲۰-۱۳۲۵، ج ۳،  
تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۶.
۴. احتشام‌المسلمه، خاطرات، ویراسته محمد مهدی موسوی،  
تهران: زوار، ۱۳۶۷.
۵. یامند مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴  
هجری، ج ۶، چاپ دوم، تهران: زوار، ۱۳۵۷-۱۳۲۱.
۶. پایگانی راکد میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۹۸، ش ۱،  
پهلوی، عبدالله، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران از زمان  
تأصولدین شاه تا آخر سلسله قاجاریه، تهران: آینه‌ها، بی‌تا، مقدمه  
تاریخ ۱۳۴۴، ش ۱.
۸. سازمان اسناد ملی ایران، پرونده لسان الدوله به شماره  
۲۴۰۰۱۸۵۳۹.
۹. شریف کاشانی، محمد مهدی، ولعقات اتفاقیه در روزگار،  
به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۳، تهران:  
نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
۱۰. صفایی، ابراهیم، پنج خاطره از پنج سل، تهران: آینه‌ها،  
۱۳۷۱.
۱۱. عزیز السلطان غلامعلی ملیجک، روزنامه خاطرات،  
گردآورنده محسن میرزایی، ج ۴، تهران: زرآب، ۱۳۷۶.
۱۲. عین السلطنه، روزنامه خاطرات، به تصحیح مسعود ساندور  
و ایرج افشار، ج ۴، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴-۱۳۷۷.
13. Archives Diplomatiques du Ministère des Affaires  
Etrangères (France). /NS/Persa/44.
14. Archives Diplomatiques du Ministère des Affaires  
Etrangères (France). /NS/Persa/56.
15. *Catalogue de la Vente aux enchères à L'Hotel des  
Ventes du Pays de Caux en date du 23 mai 1999*, Commissaire  
Preneur: Bruno Roquigny, Expert: Laure Sosostel.
16. *Les donateurs du Louvre*, Paris, 1989.
17. Martin, F.R., *The Nizami Ms. From the Library of the  
Shah of Persia now in the Metropolitan Museum at New York*  
Vienna, 1927.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۱/۹/۷